

مطالعه‌ی چند نشانه‌ی نجومی بر یادمان‌های فرهنگی دوران بابل قدیم و آشور نو در بین‌النهرین باستان

محمدتقی فاضلی

گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

dr.fazeli2002@yahoo.com

مهدی کیخایی

استادیار باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

یحیی مظه‌ری

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰)

چکیده

به نظر می‌رسد نخستین نشانه‌های مرتبط با صورفلکی در بین‌النهرین باستان از (هزاره‌ی چهارم ق.م) و در دوره‌ی سومریان رواج پیدا کرده است. اما با این حال به مطالعات اختر باستان‌شناسی (مطالعه‌ی سمبل‌ها و نشانه‌های مرتبط با اجرام سماوی و نجومی) بر یادمان‌های فرهنگی دوره‌های مختلف تاریخی در بین‌النهرین باستان کمتر توجه شده است. در این تحقیق چند نشانه‌ی نجومی نقش شده بر آثار تاریخی دوره‌های بابل قدیم تا آشور نو و مدارک موجود اعم از اسناد نوشتاری و غیرنوشتاری (به خصوص سنگ یادمانها و کودورها..) بررسی شده است. مطالعه‌ی نشانه‌ها و سمبل‌های موجود در آثار فرهنگی بین‌النهرین نشان می‌دهد که برخی از این نشانه‌ها و نمادها (هم چون عقرب، قوچ، بز ماهی، خوشه‌ها، ستاره‌های هشت پر و ...) بطور مشخص نشان‌دهنده‌ی ستارگان، سیارات و اجرام آسمانی هستند و این مسئله از آنجا روشن‌تر می‌شود که هرکدام از این نمادها به گونه‌هایی مرتبط با خدایان بین‌النهرینی هستند چرا که در بسیاری از موارد خصوصاً در کودورها، نمادهای صورفلکی همواره با نام خدایان تصویر شده‌اند و لذا هر جا سمبل و نشانه‌ی نجومی بر آثار فرهنگی بین‌النهرین دیده می‌شود، ارتباطی با خدایان بین‌النهرین نیز وجود دارد.

واژگان کلیدی: کودورو، سمبل، بین‌النهرین، نجوم، بابل، آشور

مقدمه:

اسناد نوشتاری مرتبط با نجوم در بین‌النهرین بسیار محدود یافت شده‌اند و بطور کلی اکثر مدارک یافت شده درین ارتباط از سه محوطه‌ی نینوا، بابل و اوروک (تصویر ۱) به دست آمده‌اند (مجیدزاده، ۱۳۷۹، ص ۷۳) از نظر محتوا نیز تفاوت‌هایی درین الواح دیده می‌شود. یکسری از این لوحه‌ها در ارتباط با پیشگوئی‌های نجومی و گزارش‌های شاهی است که متخصصان پیشگویی نجومی از شهرهای گوناگون پادشاهی برای فرمانروایان بابلی و آشوری می‌فرستاده‌اند (Thompson Campbell. 1900. pp. 1-2) و قدمت آنها به حدود ۷۰۰ ق.م برمی‌گردد. یکسری دیگر از این دست نوشته‌های نجومی مربوط به یادداشت‌های روزانه‌ی منجمین و مشاهدات نجومی روزانه‌ی آنهاست و اینها از یک بایگانی نجومی در بابل بدست آمده‌اند و از نظر زمانی حد فاصل بینسالهای ۷۵۰ ق.م تا ۷۵ م را دربرمی‌گیرند. (sachs, 1979. pp. 319.397) و دسته‌ی آخر متون نجومی با مبنای محاسباتی ریاضی هستند که از یک بایگانی نجومی در بابل و اوروک به دست آمده‌اند با قدمت ۴۰۰ ق.م. بین این ۳ دسته از متون نجومی ارتباط وجود دارد و نسخه‌ای از هرکدام آنان در بایگانی نجومی بابل نگهداری می‌شده است و حتی کاتبانی به این امر اختصاص داشته‌اند. علائمی که در انتهای متون در

الواح به کار می‌رفته‌اند نشان دهنده‌ی نام کاتبان بوده است. (ibid) متون پیشگوئی در ارتباط با ماه، خورشید و سیارات و ستارگان ثابت بوده است و برخی نیز در ارتباط با پیشگوئی هوا و علم هواشناسی است. شرح بیشتر مشاهدات نجومی نیز مبهم و در نهایت کیفی است و بیشتر به مسائلی مانند شکل ماه در غروب، درجه‌ی روشن یا تاریکی و وجود یا عدم وجود هاله‌ی نور به دور آن توجه داشته‌اند و بطور کلی ظواهر فیزیکی ماه، خورشید و ستارگان مورد توجه آنان بوده است. هم چنین یکسری از پیشگوئیها که در اصطلاح پیشگوئیهای قضایی خوانده می‌شدند، با رویدادهای خاص ارتباط داشته‌اند، مثل سرنوشت شاه یا کشور، جنگ و صلح، بارش باران و جاری شدن سیل‌ها و ... (Reiner and pinger. 1975. p. 29) در برابر ستاره‌شناسی قضایی، نجوم شخصی با پیشگوئی‌هایی برای رویدادهای مهم در زندگی فردی، به ویژه تولد، قرار دارد. هیچ مطلب نجومی در خود پیشگوئیها وجود ندارد و تنها جملاتی درباره‌ی موقعیت‌های خورشید و ماه و سیارات، و گاهی نیز نقطه‌ی وقوع کسوف و خسوف و دیگر موضوعات جالب در زمینه‌ی طالع‌بینی و پیشگوئی را دربرمی‌گیرد که عملاً مشاهده نشده‌اند، بلکه آنها را به گونه‌ای برای افق ناحیه‌ای خاص در لحظه‌ی معینی محاسبه کرده‌اند. (مجیدزاده، ۱۳۷۹، ص ۷۵) قدیمی

ترین تاریخ الواح از این دست به ۴۱۰ ق.م برمی - گردد و جدیدترین آنها به قرن سوم ق.م. بنابراین در تقویم بابلیها، در ستاره‌شناسی شخص و طالع بینی تردیدی وجود ندارد. (همان) متونی که در بردارنده‌ی یادداشتهای نجومی روزانه هستند از لحاظ زمانی از سال ۷۵۰ ق.م تا سال ۷۵ م را در برمی گیرد و اکثر آنها از بایگانی نجومی شهر بابل به دست آمده‌اند، این گزارشها معمولاً بصورت ماهانه است و در لابه‌لای آنها، وضعیت ماهانه ماه و اطلاعاتی درباره‌ی سیاره‌ها، شرایط جوی نامناسب و پدیده‌های غیرمعمول آسمانی مانند رنگین کمان و هاله ارائه شده است (sachs.1974.pp.43-50)

کودوروها:

کودوروها سنگهایی صیقلی هستند که نوشته‌هایی راجع به واگذاریهای رسمی سرزمینی، که معمولاً شامل تاج و تخت هم می‌شده و نیز فروش زمین‌ها را در بردارند. آنها اغلب از سنگهای سخت و آذرین محکم از جمله سنگ بازالت سیاه هستند (تصویر ۲). نمونه‌هایی از لوحهای مشابه، ولی نسبتاً کوچکتر سفالی نیز موجود است. کودوروهای به دست آمده از حفاریها، عمدتاً در معابدی پیدا شده بودند که در واقع نقش ضبط واگذاریهای رسمی سلطنتی را به عهده داشته‌اند، هم چنین گفته می‌شود که اینها بیانگر رونوشت سنگهایی هستند که صرفاً بر روی مرزهای

تعیینشده‌ی سرزمین، نهاده شده‌اند، از این جهت واژه‌ی «سنگمرزی» ترجمه‌ی متعارف «کودورو» است. این سنگها فقط در جنوب بین‌النهرین یافت شده‌اند. احتمالاً آنها برای اولین بار توسط کاسی‌ها به کار برده شدند و از آن پس تا دوره‌ی بابل نو مورد استفاده قرار گرفته‌اند (قرن هفتم ق.م). با وجود این، این شکل از سنگها توسط آشوری‌ها در شمال تقلید نشد و پس از سقوط آشور، هیچ کودورویی شناخته نشده است. بر روی قسمت‌های بالایی یا یک طرف کودوروها، نمادهای رب‌النوع-هایی به چشم می‌خورند که ظاهراً برای مینا بوده که قراردادها را به جا آورند (تصویر ۳ و ۴). متن آنها شامل لعن و نفرین‌های شدید بر کسانی است که از قراردادهایی که به نام خدایان دیگر است، سرپیچی کرده بودند (هرگز خدایانی که نمادشان کشیده می‌شد حضور نداشتند). بر روی برخی از سنگها، این نمادها همراه با اسامی رب‌النوع‌هایی که آنها مظهرشان بودند، نشاندار می‌شد که منبع موثقی در تعیین مفهوم این نمادها به شمار می‌رود (تصویر ۵). کودوروهایی با چنین نشانه‌هایی، از جمله آنهایی محسوب می‌شوند که توسط عیلامی‌ها در دوران باستان از بابل به یغما برده شد و بعداً در حفاری‌های شهر شوش، کشف گردید. برخی از این نمادها احتمالاً نشانه‌ی صور فلکی هستند. برخی نیز چنین پنداشته‌اند که موقعیت نمادهای موجود بر روی سنگها به درجه‌بندی نسبی رب‌النوع‌های نشان داده شده مربوطند

ممکن می‌سازند که فهرستی از همسان‌سازی میان خدایان و برخی صور فلکی دیده می‌شوند (نگاه به : جدول ۱) تصور بر این است که نمادها به گونهای ترتیب یافته‌اند که طلوع و غروب همزمان صور فلکی و سیاره‌ها را به تصویر بکشند (تصویر ۷)، که فهرستی از همسان‌سازی میان خدایان و برخی صور فلکی دیده می‌شوند (نگاه به : جدول ۱) تصور بر این است که نمادها به گونهای ترتیب یافته‌اند که طلوع و غروب همزمان صور فلکی و سیاره‌ها را به تصویر بکشند (تصویر ۷). نکته‌ی دیگری که باید به آن توجه داشت این است که به نمادهای خدایان باید در بافت و زمینه‌ی فرهنگی خودشان توجه کرد. برخی از این اسناد مربوط به معاملات زمین‌ها و معافیت‌های مالیاتی هستند که معمولاً پادشاه یکی از طرفین قرارداد است. این قراردادهای قانونی معمولاً بر روی لوحه‌های گلی و در حضور چندین شاهد نوشته و احتمالاً توسط افراد ذینفع نگهداری می‌شده‌اند. کپی این اسناد بر روی ستونهای سنگی حک و در معابد نمایش داده می‌شده‌اند و سرانجام در مرزبندی زمین‌های مربوطه مورد استفاده قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که کودوروها به تنهایی به عنوان اسناد قانونی استفاده نگردیده است، چرا که فاقد هرگونه مهر و نشانی بوده‌اند، بنابراین هدف از ساخت کودوروها تقویت و تأیید یک عمل قانونی بوده است که قبلاً در جایی دیگر قرارداد آن بین طرفین به امضا و توافق رسیده است. به همین دلیل هم

(Black and green, 1992, p. 138). برخی از تصاویر موجود بر روی کودوروها، چنانکه ذکر شد، در ارتباط با اجرام سماوی و سمبل‌های خدایان هستند (تصویر ۴). تعدادی از این تصاویر، نماد ستاره و سیاره‌ها هستند و برخی دیگر نشاندهنده‌ی صور فلکی و خوشه‌های سماوی می‌باشند و شماری دیگر نشان و نماد خدایان هستند. (عقرب، قوچ، ماهی، بز، تنگ آب و ... بسیار شبیه به صور فلکی امروزی هستند). بیشترین تعداد کودوروها مربوط به دوران کاسی‌هاست (دوران ایسین)، اما با این حال بر روی کودوروهای کاسی، هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر اینکه تصاویر ماهیت سماوی داشته باشند وجود ندارد و این بعداً یعنی در دوران بابلی‌هاست که اتفاق می‌افتد و در معابد بابلی ماهیت تصاویر موجود بر کودوروها کاملاً تغییر می‌کند. یک نمونه‌ی خوب که تصاویر روی کودورو مرتب با اجرام سماوی است را در اوروک یافته‌اند که مربوط به دوران سلوکیه است (تصویر ۵). اگرچه نمی‌توان بطور کلی ادعا کرد که تمامی تصاویر پیش از قرن سوم ق.م دقیقاً به اجرام سماوی اشاره می‌کنند؛ مثلاً ستاره‌های هشتم پَر

بنابراین تنها راه برابری و یکسان‌سازی نمادها با سیاره‌ها و صور سماوی از طریق نام خدایان امکان‌پذیر است. در تعداد کمی از کودوروها نمادها در کنار نام خدایان آمده‌اند (نک در جدول یک) (seidi, 1969, pp. 233-4) و این امر را

بوده است که چندین نوع وسیله بکار می‌رفته است. اسناد بر روی لوح‌های سنگی حک می‌شده- اند و از آنجائیکه سنگها در گذر زمان ثبات بیشتری داشتند و کمتر دچار تخریب و فرسودگی می‌شدند در معاملات زمین و تعیین حدود آنها اهمیت بیشتری پیدا کردند. برپائی ستونها در معابد نیز ضرورت نقوش مقدس را بر این سنگ یادبودها توجیه می‌کرد و برای استمداد از خدایان بر علیه هرگونه تخریب آنها، نفرین‌نامه‌هایی بر آنها حک می‌شد. کودورها اغلب زمانی رواج پیدا می‌کردند که حکومت مرکزی ضعیف بود و لذا وقتی حکومت مرکزی آنقدر قدرت نداشت تا از توافقات حفظ و حراست کند، راهی جز ایجاد کودورها باقی نمی‌ماند و به نظرمی‌رسد پس از این اقدامات قانونی، ذکر نام خدایان و نفرین‌نامه‌ها و نمادهای تصویری، به منزله‌ی حکمی روشن تلقی می‌شده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که پیشگویی‌های آسمانی برگرفته از رسوم پیشین (دوران کاسی‌ها و بابل قدیم) در بین‌النهرین باشد، آنجا که سرنوشت هر شهر را به اراده‌ی الهی مرتبط میدانسته‌اند. اما ظهور طالع‌نما در حدود ۵۰۰ ق.م نشاندهنده‌ی آن است که آنچه که در آسمان دیده می‌شده به زندگی افراد ارتباط داشته است. پیشگویی‌های شخصی مبنی بر غیبگویی آسمانی در زمان کودورها وجود نداشت. بنابراین میتوانیم نتیجه بگیریم جایگاهی برای افراد یا معاملات قانونی در غیبگویی آسمانی در بابل قبل از ۵۰۰

ق.م وجود نداشته است . (Iwaniszewski.1994.p.267) یک فرضیه دیگر را نیز در ارتباط با کودورها می‌توان طرح کرد و آن اینکه آنچه بر سنگها نقش بسته در هیچ زمانی تداعی کننده آسمان، در واقع امر نیستند و این بدین معنی است که این نقشها، بیانگر مابه ازای واقعی ستارگان و اجرام سماوی نیز نیستند. بلکه این احتمال وجود دارد که این جلوه‌های آسمانی نشان‌دهنده‌ی تصویر ایده‌آل و آرمانی آسمان باشند. تعداد بسیار زیادی از ستاره‌ها و صور فلکی به این گرایش دارند که نزدیک نقطه‌ی اعتدالین قرار بگیرند و از سوی دیگر می‌دانیم که سال بابلی در حدود زمان اعتدال بهاری آغاز می‌شد و اولین روز جشن سال نو باشکوه تمام و بصورت فعال اجرا می‌گردید و یکی از اهداف اصلی این جشن، نوسازی جهان بود که خلقت جهان به طور نمادین تکرار میشد و بیانگر گذار جهان از خائوس (بهم ریختگی و آشفتگی) به کاسموس (نظم، جهان) بود. درین جشن مفهوم اصلی منشاء جهان و ساختار مقدس آن با مردم و اجتماع در میان گذاشته میشد. یادآوری مراسم خلقت، پیام ثبات جهان را به آدمی می‌داد و این جشن سالیانه اثبات می‌کرد که جهان هر ساله لباس نو می‌پوشد و اگرچه جهان تجدید می‌شود اما عنصری تغییر ناپذیر و ثابت نیز در آن حضور دارد و این دانشی بود که به راحتی در یادها می‌ماند و توسط جمعیت بیشتری نیز یادآوری می‌شد.

در ارتباط با تصویر شاه و بر تصمیمات او تأثیر می‌گذاشته است. در دوره‌ی کاسی‌ها مشاهدات اجرام سماوی تا اندازه‌هایی منظم‌تر اجرا شده بود، اما با دقت کمتر. درباره‌ی علاقه‌ی کاسی‌ها به سرنوشت افراد چیزی نمی‌دانیم و فقط میتوان تصور کرد که مشاهدات مربوط است به سرنوشت شاه. طالع‌بینی‌ها معمولاً با بلا یا سروکار داشت. احتمالاً جنگ و صلح، وضعیت مزارع و یا سلامت شاهبه نظر می‌رسد، تصاویر مرتبط با اجرام سماوی در هر دوره در بین‌النهرین براساس تمایلات فرهنگی آن دوره شکل گرفته است و الزاماً یک الگوی فرهنگی که تحت شرایط خاص ایجاد شده با تصاویر نمادها و الگوهای فرهنگی جوامع دیگر در دوره‌های بعد یکسان نیست.

نتیجه‌گیری

تفسیر نجومی یادبودهای به جای مانده از بین‌النهرین باستان نشان میدهد که در سنت اخترباستان شناسی، طالع‌بینی در دوره‌های هلنی و رومی در بین‌النهرین بسیار رواج داشته است، و به نظر میرسد در دوره‌های قبل‌تر نظیر دوران کاسی‌ها آنچه که به عنوان اجرام سماوی بر سنگ مرزها نقش می‌بسته است تصویری ایده آل و آرمانی از آسمان بوده است. بنابراین ضروری است که تحلیلهای اختر باستان‌شناسی را می‌بایست با دیدگاه‌های انسان‌شناسانه منطبق نمود تا به یک تفسیر دقیق و درست دست پیدا کرد.

برقراری نظم الهی که پس از استقرار نیز تمایلی به تغییر نداشت بعداً توسط حکومت، بر روی زمین به عنوان همتای بهشت مستقر می‌شد و در عین حال غیر قابل تغییر بود. این مفهوم اختر زیست-شناس به شکلی نمادین در بین‌النهرین می‌توانست در توسعه‌ی شکل و فرم کودورها انعکاس پیدا کند. از آنجا که هر دو نقطه‌ی اعتدال در نزدیکی راه شیری قرار گرفته‌اند، تشخیص آنها در آسمان برای مردم عادی نیز امکان‌پذیر است و از آنجا که ستارگان نزدیک اعتدال پائیزی، آنهایی هستند که در بعدازظهر درست پس از غروب دیده می‌شوند و بر روی کودورها به عنوان نمادهای مقدس نشان داده شده‌اند. این می‌تواند نشانه و پیامی از یک دنیای تغییرناپذیر باشد و در عین حال بصورت قانونی از سنگ مرزها در برابر آسیب نیز محافظت کنند (به دلیل جنبه‌ی تقدسشان). (Brinkman 1981, p.267)

بحث

در دوران آشور نو آنچه که بر سنگ یادبودها تصویری شده است، انگاره‌ایی از آسمان بوده است و این احتمالاً به دلایلی برای پادشاهان این دوره اهمیت داشته است آنچنانکه در ستون آسارحادون حاکم آشوری دیده می‌شود. در این دوره ظاهراً هنوز زیج وجود نداشته است. به جای آن طالع‌بینی نامها و اشخاص بود که با سعادت و کامیابی دولت سروکار داشته است و

Illustrated Dictionary. Illustration by Tessa Richards. British Museum Press, London.

Brinkman, J.A. 1981 "kudurru. A: Philologisch". *Rellexikon der Assyriologie*, vi/ 3-4. PP.267-74.

Campbell, Thompson, R., 1900, *The Reports of the magicians and Astronomers of Nineveh and Babylon in the British Museum* 1-2, London.

Iwaniszewski, S., 1994 "Babylonian kudurrus from the second Dynasty of Isin: An archaeo astronomical analysis". in: *Reunion europeennedastronomie & sciences humaines*, ed. By Carl Jasxhek 139-59.

Reiner, E. and D. Pingree, 1975, *Babylonian planetary omens, I: Enuma Anu Enlil Tablet 63: the venus tablet of Aminisaduqa* (*Bibliotheca Mesopotamica* 2/1), Malibu.

Sachs, A., 1976 "the latest Datable cuneiform Text's", B.L. Eichler et al. (eds), *cuneiform studies in Honor of Samuel Noah Kramer* (AOAT 65). PP.379-398.

Sachs, A., 1974, "Babylonian observational Astronomy", *the place of Astronomy in the Ancient world*, PP.43-50, London.

Seidl, E.U., 1969 "Götter symbols and Attribute", in *Reallexikon der Assyriologie*, iii/7, PP, 484-90.

(WWW.Alamy.com)

(WWW.Lovere.fr)

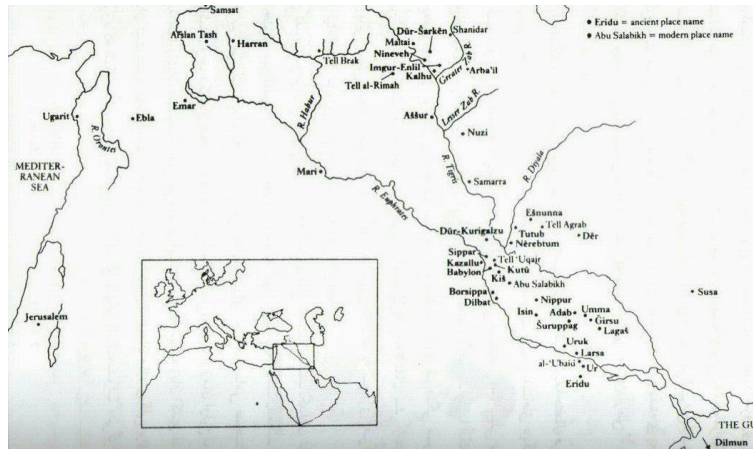
(WWW.Pinterest.com)

مطالعه‌ی تصاویر آسمان پرستاره در غار لاسکو و نمونه‌های مشابه آن در جاهای دیگر نشان می‌دهد که هدف از به تصویر کشیدن آسمان در جوامع پیش از تاریخی، ارائه یک تصویر ایده آل و آرمانی و یک الگوی کلی از آسمان بوده است. این موضوع به افراد جامعه این امکان را می‌دهد تا به شیوه‌های مناسب به آنچه که در واقعیت رخ می‌دهد، پاسخ دهند. این تصاویر نشان دهنده‌ی پیوند نمادین و رسمی با آسمان بوده اند که در یک چارچوب معنی‌دار ارائه شده‌اند و در واقع هدف اصلی آن شکل بخشیدن و نظم دادن به زندگی اجتماعی انسانها بوده است.

منابع

- بلک، جرمی و آنتونی گرین، ۱۳۸۵، فرهنگنامه-ی خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان، ترجمه‌ی پیمان متین، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- بهزادی، رقیه، ۱۳۸۷، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب به انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۹، تاریخ و تمدن بین‌النهرین جلد دوم، تاریخ فرهنگی - اجتماعی؛ مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

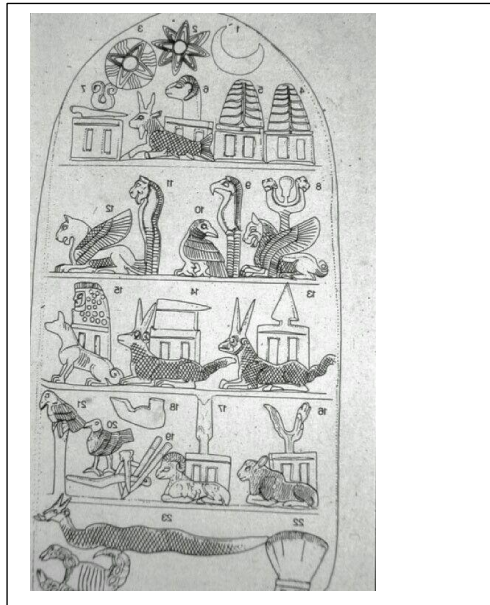
Blak, Jeremy, Green, Anthony 1992, *Gods, Demons and symbols of Ancient Mesopotamia:*



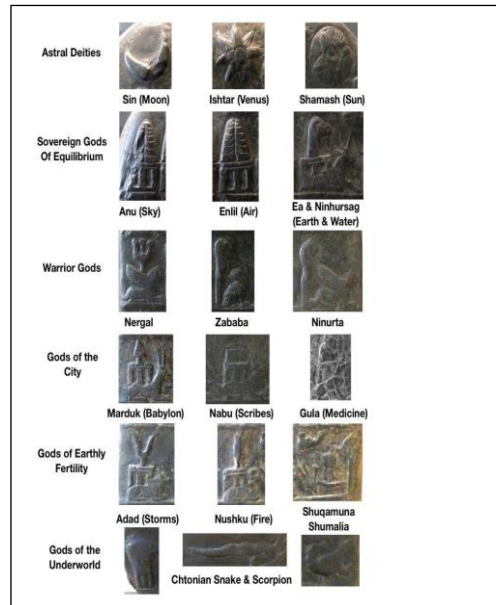
تصویر ۱ : مناطق مورد بحث مقاله (Black&Green, 1992)



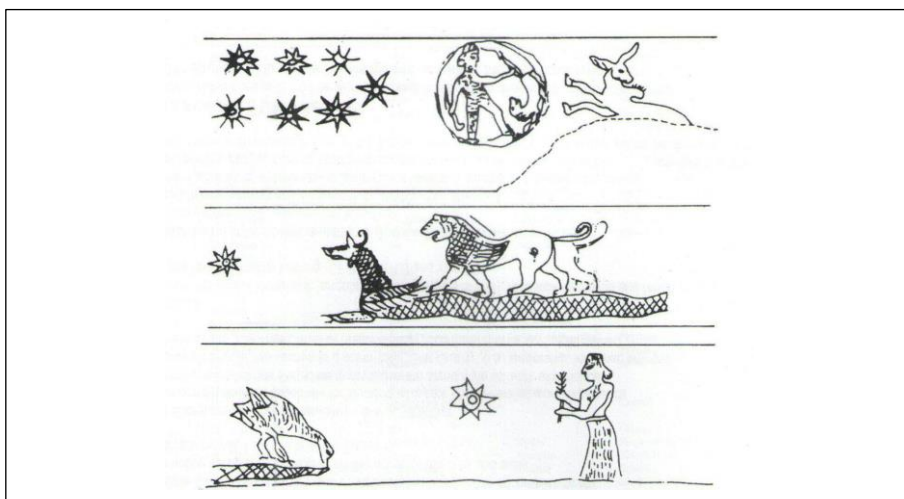
تصویر ۲ : تصویر یک کودورو از دوران کاسی (۱۱۰۰-۱۱۲۵ ق.م) سمبل های نجومی، خدایان و نوشته به خط میخی بر روی آن دیده می شود. (WWW. Alamy.com)



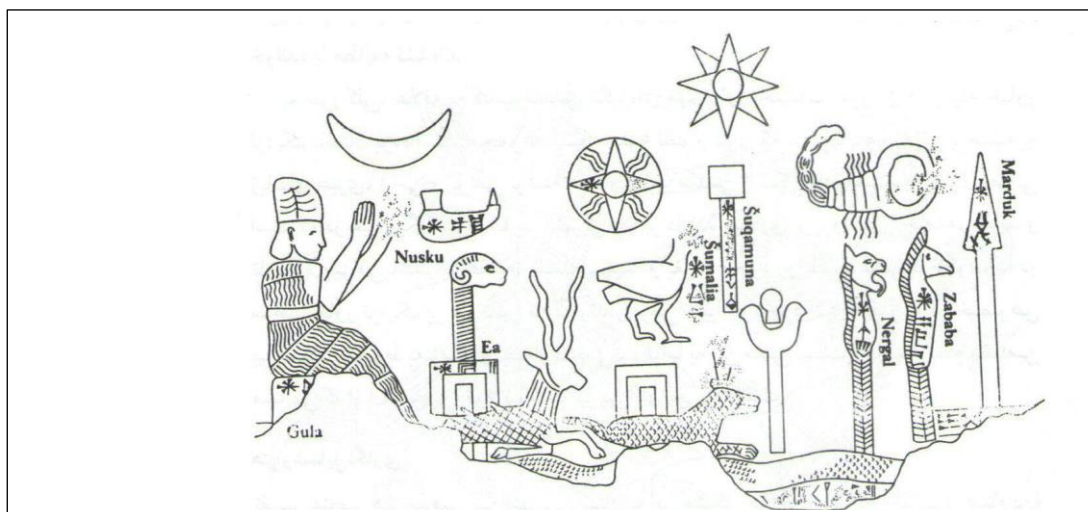
تصویر ۴ : رب النوع های بین النهرین و نشانه های هرکدام بر روی کودوروی بابلی (WWW.Pinterest.com)



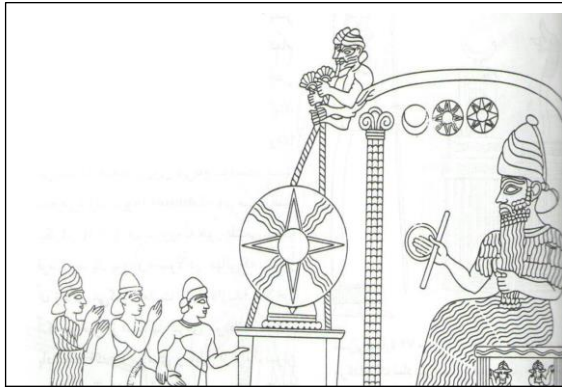
تصویر ۳ : رب النوع های بین النهرین و نشانه های هرکدام بر روی کودوروی بابلی (WWW.Lover.fr)



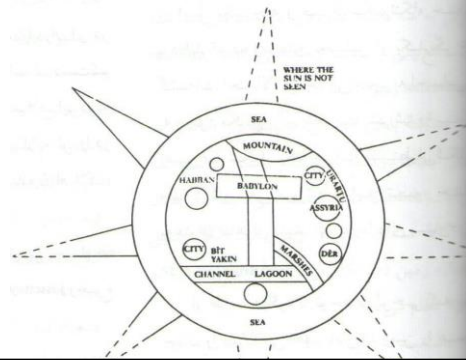
تصویر ۵ : علائم صور فلکی. شامل هفت دختر یا پروین، برج اسد و برج ثور. مکشوفه از اوروک. تصویر شده بر روی یک لوح سفالی. دوره سلوکی. (Black&Green, 1992).



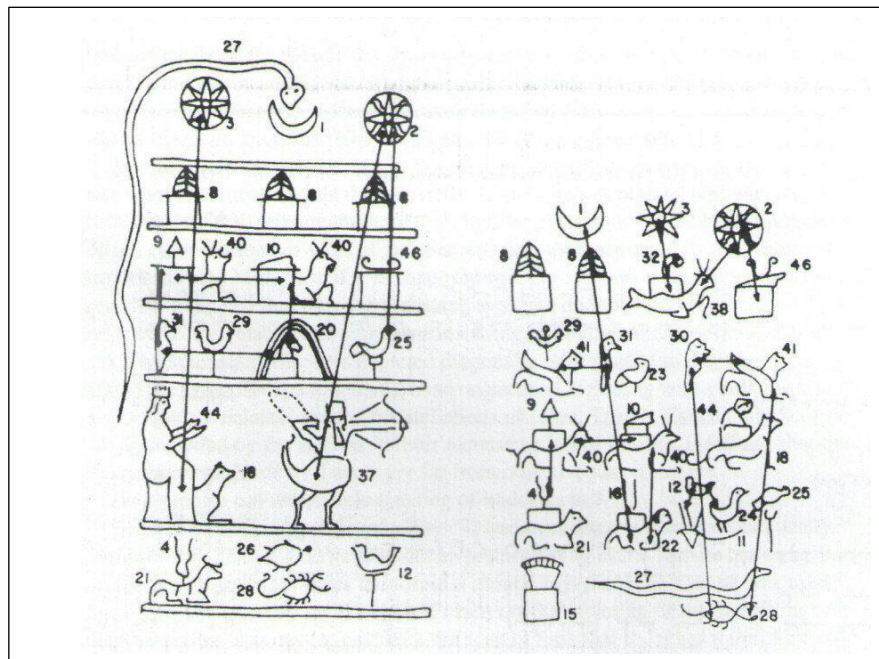
تصویر شماره ۶ الف: نمادهای حجاری شده بر روی یک سنگ کودورو بابلی. قرن (۱۳.ق.م) که در آن اسامی خدایان مربوطه نوشته شده است. (Black&Green, 1992).



تصویر ۶ ج: معرفی پادشاه بابلی به حضور خدای شمش. حک شده بر روی یک لوح سنگی (۸۷۰ ق.م) به ستاره هشت پر بالای سر شاه بنگرید. (Black&Green, 1992).



تصویر شماره ۶ ب: منظره هوایی جهان بر روی یک ستاره هشت پر. حک شده بر روی یک لوح سفالی. دوران قدیم بابل قدیم. موزه بریتانیا (Black&Green, 1992).



تصویر ۷: رب النوع های بین النهرین و معادل نجومی آنها (اینانا، آنو، انلیل، انکی و مردوک و...) مربوط به نیوکد نصر. دوره آشور. (Iwaniszewski, 1994).

نماد خدایان و معادل نجومی آنان، (Iwaniszewski, 1994)

ردیف	اجرام سماوی	اجرام سماوی	خدایان	نمادها
۱		ماه	سین	هلال
۲		خورشید	شمش	خورشید، خدای خورشید
۳		ونوس (زهرة)	لشار، آیشتار	ستاره
۴		کلاغ	ا.د.د	آذرخش، برق
۵	ثور			دیوار دفاعی
۶				برج پله دار
۷				رب النوع قایق
۸	منطقه‌ی نشیب	افیوکوس	ان. اینلیل	خاج، لیوان شاخدار
۹	مشتری	مشتری	مردوک	پیک، بیل
۱۰	عطارد	اسکو	نبو	وسیله نوشتن، قلم حکاکی
۱۱	سه گوش	قنطورس	نین گیرسو	گاواهن
۱۲	مغرب، زوال خورشید	بار	نوسکا	فانوس
۱۳		دلو	ا.ا	ظرف آب
۱۴				گرز چماق
۱۵			ب.ب	باد بزن
۱۶	بره، برج حمل			سنبله، خوشه
۱۷				گره
۱۸	دلو	هرکول- بربط	گولا	سگ
۱۹				روباه، شغال
۲۰	اسب بالدار	بخشی از اسب بالدار- (پگاسوس)	شمش	اسب
۲۱	ثور		ا.د.د	ثور، گاو
۲۲	بره، برج حمل			میش
۲۳			هاربا	پرنده با سر خمیده
۲۴	کلاغ	جبار		پرنده قدم زن

پرنده روی عصا				۲۵
لاک پشت	ا.آ		سرطان	۲۶
افعی	ایشتران	الشجاع	مار الشجاع	۲۷
عقرب	ایشارا	عقرب		۲۸
چماق با سر دو شیر	ا.آ		کیوان	۲۹
گرز یا کوپال با سر شیر	نیرگال	ماکیان- دجاجه	مارس	۳۰
گرز یا کوپال با سر عقاب	زبابا	مارگیر	عقاب با ...	۳۱
گرز یا کوپال با سرقوچ	ا.آ	حوت جنوبی	جدی	۳۲
زن با پاهای متقاطع				۳۳
مرد عقرب	نین لیل		کماندار قوس	۳۴
شیر - مرد	اوگالا			۳۵
مرد- جانور ایستاده				۳۶
ستار ، موجودی با بالای تنه انسان و پایین تنه حیوان		مارگیر	جدی	۳۷
بزمهای	ا.آ	جدی	ماکیان دجاجه	۳۸
شیر- اژدها	آ.د.د			۳۹
مار اژدها				۴۰
گاو بالدار				۴۱
خدا با اذرخش	آ.د.د			۴۲
خدا با کشتی	ا.آ			۴۳
الهه نشسته	گولا			۴۴
الهه با خوشه ذرت				۴۵
طناب-ریسمان-طیف رنگی			بربط	۴۶
خاج- صلیب- چلیپا				۴۷
طرح خالص				۴۸